

قوی همچون مرگ

نویسنده:

گی دو موپاسان

مترجم:

دکتر مهدی زیبایی

موپاسان، گی دو، ۱۸۵۰ - ۱۸۹۳ م.

سرشناسه

Maupassant, Guy de

قوی همچون مرگ / نویسنده گی دو موپاسان : مترجم مهری

عنوان و نام پدیدآور

زیبایی

مشخصات نشر

تهران: آرنا، ۱۳۹۴.

۲۷۳ ص. : ۲۱/۵ × ۱۴/۵ س.م.

مشخصات ظاهری

۹۷۸-۶۰۰-۳۵۶-۳۷۷-۳

شابک

فیبا

وضعیت فهرست نویسی

Fort comme la mort, © ۱۹۸۳، عنوان اصلی:

یادداشت

داستان های فرانسه -- قرن ۱۹ م.

موضوع

زیبایی، مهری، ۱۳۵۷ - مترجم

شناسه افزوده

۹۱۳۹۴۲۴۶۵PQ/ق

رده بندی کنگره

۸۸۸۳

رده بندی دیویی

۲۱۹۹ ۱۸

شماره کتابشناسی ملی



عنوان : قوی همچون مرگ

نویسنده : گی دو موپاسان

مترجم : مهری زیبایی

ناشر : آرنا

چاپ : اول ۱۳۹۵

شمارگان : ۱۰۰۰ نسخه

قیمت : ۱۴۰۰۰ تومان

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۳۵۶-۳۷۷-۳

مقدمه

گی دو موباسن در سال ۱۸۵۰ در سن - هجدهم به دنیا آمد و دوران کودکی خود را در ترماندی گذراند. او که در سال ۱۸۷۰ در رشته حقوق به تحصیل مشغول بود با آغاز جنگ فرانسه با پروس به خدمت سربازی درآمد. پس از پایان جنگ، ابتدا در وزارت دربار، سپس در وزارت آموزش و پرورش به کار پرداخت و اوقات فراغت خود را به قایق رانی و نوشتن اختصاص داد.

وی توسط انویر دوست خانوادگی آنها، به محافل ادبی پاریس راه یافت و با نویسندگانی چون آلموس دوده، برادران گنکور، ژولا، هویسمانس و تورگینف آشنا شد. در پی موفقیتی که داستان کوتاه وی با نام "گنوله پیه"^۱ برایش به دنبال داشت، زاد او به سالن‌های ادبی باز شد. با وجود بیماری که توان او را تحلیل برده بود، موباسن پیوسته حکایات و داستان‌های کوتاه فراوانی منتشر ساخت که سبک بی‌پیرایه و ناب آنها، او را در ردیف نخست نویسندگان قرن نوزدهم فرانسه قرار داد. وی در سال ۱۸۹۳ در پاریس درگذشت. از میان معروف‌ترین نوشته‌های وی می‌توان به آثار زیر اشاره نمود: خانه تئیه^۲، دماز^۳ فی‌فی^۴، حکایات پرنده ایبا^۵، یک زندگی^۶، بل امی^۷، گل سرخ مادام همجون^۸، قوی همچون مرگ^۹، قلب ما^{۱۰}....

-
- ^۱ Boule de Suif
 - ^۲ La Maison Tellier
 - ^۳ Mademoiselle Fifi
 - ^۴ Contes de la Becasse
 - ^۵ Une Vie
 - ^۶ Bel-ami
 - ^۷ Le Floria
 - ^۸ Le Rosier de Madame Husson
 - ^۹ Fort comme la mort
 - ^{۱۰} Notre Coeur

"قوی همچون مرگ" داستان احساسات کاذب و نجام گسیخته‌ای است که از طبقه اشرافی پاریس مایه گرفته است. این رمان به روشنی گویای واقعیتی است تلخ و انکارناپذیر که در بستر زمان شکل می‌گیرد و همان گونه که شخصیت داستان الیویه برتن^۱ به سمت پیری حرکت می‌کند شور و احساسات تو سری خورد و خفه شده جوانی‌اش شعله می‌کشد و او را به سمت مخالف زمان به جوانی و شو و هرجان درونی گره می‌زند. الیویه برتن همانند کسی که در لبه یرنگه زمان به دره پیری و مرگ سقوط می‌کند نمی‌خواهد و نمی‌تواند این واقعیت تلخ را بپذیرد. احساساتش که همانند مرگ قوی است او را به زندگی و عشق گره زده‌است.

وداع با زندگی تمام شرره هیجانش اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. این اتفاق شوم بالاخره می‌افتد و برتن می‌پذیرد انگار که هرگز وجود نداشت.

این رمان به همان اندازه که می‌تواند گویای بی‌رحمی زمان باشد، کشمکش درونی و قدرتمند میان مرگ از یک سو و زندگی با تمام امیدها و آرزوهای بی‌پایان و ارضانشده‌اش از سوی دیگر را به تصویر می‌کشد و می‌بازان همانند یک جراح زبردست آنرا کالبدشکافی نموده است.

ارشد محمودی رحیم‌آبادی